



موسیقی کودک در رادیو



• ایرج برخوردار

آموزش گیران است. سیستمهای آموزش و پرورش در وجه دوم فعالیت خود، رویکردی طبیعی به مسائل هنری دارند. ناگفته پیداست آثار هنری که در صورتهای مختلف ظاهر می شوند، وسیله ای مناسب برای بیان احساسات و پرورش عواطف انسانها به حساب می آیند. شعری لطیف و زیبا، نمایشی پرفخر و عمیق، ناپلوی نقاشی جذاب و پدیدارفتنی، تندیس پر جلوه و گویا، بنای

طراحی می کند. غایت این طراحی ها و فعالیتها باید به کمال و کارآمد بودن آنها بینجامد. مجموعه های تعلیم و تربیت، در جوامع مختلف، از سویی به انتقال اطلاعات و ایجاد مهارت ها در افراد همت می گمارند و او را برای انجام امور مختلف در رفع نیازهای اجتماعی آماده می کنند و از سوی دیگر هدفشان ایجاد روحیه ای سالم، لطیف، زیباتر و حساس در برخوردار با مسائل در بین

رشد مولدین اخلاقی و تربیت عاطفی، از مهم ترین اهدافی است که در یک جامعه متشکل بدان توجه می شود این مهم علاوه بر خاتواده ها، در اصل، بر عهده دستگاه آموزش و پرورش قرار گرفته و اشخاص و وسایلی به صورتهای مختلف در این زمینه پاری رسان می باشند. سیستم آموزش و پرورش برنامه های خود را بر اساس نیازها و اهداف از پیش تعیین شده

آراسته و با شکوه، فیلمی جالب و دیدنی و نهایتاً آهنگی پذیر و شنیدنی، هریک در محدوده خود ابزاری هستند برای راه‌یابی به دنیای زیباییها و درک مفاهیم دقیق و حساس انسانی و این قدم اول در راه لطیف و تعالی روح و احساسات به حساب می‌آید.

در تمام جوامع متشدن و پیشرفته، عمده‌ترین فعالیت‌های تربیتی و پرورشی در مورد کودکان اعمال می‌شود. متفکران تعلیم و تربیت، هنرمندان مجرب و صنعتگران باارزش، بیشتر توان خود را در

می‌تواند روح و جان کودک را به خود متغول نماید. در سالهای بعد این کودک، تحت تعلیم مری، آندیشه‌ها و احساساتی را که قرار است در وجودش نهادینه شود، از طریق شعر آهنگین به سادگی فرا می‌گیرد. بازیهای کودکانه را توأم با شعرهای آهنگین انجام می‌دهد و در آواگری جمعی کودکان شریک می‌شود و ورزشهایی را که دارای نظم حرکتی هستند، به بازی ریتمهای مشخص و یکسان می‌شوند و عمل می‌کند و دهها عامل دیگر او را با ریتم و ملودی آشنا

مجموعه دانش و آگاهی او را در زمینه موسیقی فراهم می‌سازد. در این روند، کودکی که در محیط فرهنگی مناسب‌تری قرار می‌گیرد دریافت دقیق‌تر و والا‌تری از نعمات و آهنگهای ارزشمند خواهد داشت. طبیعتاً کسی که دور از تعلیم مناسب و آموزشهای ارزشمند باشد، دریافت‌هایش مغشوش، ناروشن و گاه ممکن است کم‌بها باشند. براساس این درآمد کوتاه، بی‌گمان باید بلور کرد که آموزش موسیقی، در تربیت فکری و عاطفی کودکان نقش مهمی دارد.

اگر سیستم‌های آموزشی و تربیتی در این زمینه، برنامه‌ریزی نکرده و اقدامات مناسب و درخور نیازهای کودکان انجام ندهند، آن‌گاه روح لطیف و پذیرای کودکان، در معرض نغماتی قرار می‌گیرند که ممکن است فاقد ارزش و یا حتی ضدارزشهای فرهنگ حاکم بر جامعه باشند.

این واقعه بدان جهت صورت می‌پذیرد که آگاهی و شناخت لازم را برای تشخیص، دریافت و انتخاب موسیقی مناسب پیدا نکرده است.

در جوامع مختلف و در سیستم‌های اجتماعی گوناگون، برای آشنا کردن کودکان با موسیقی، راههای متفاوتی پیشنهاد شده است. شرایط فرهنگی، باورهای عمومی، سنن، عبادات، اعتقادات، نظام آموزشی و اهداف تعلیم و تربیت، همه و همه عوامل موثر، در ایجاد روشهای تعلیم موسیقی بوده‌اند.

بحث در زمینه شیوه‌های تعلیم موسیقی کودکان، مطلبی است اختصاصی که باید جداگانه و به‌طور مفصل تحلیل و بررسی شود، ولی صرفاً به‌جهت یادآوری این سیستم‌های آموزشی می‌توانیم به روشهای آموزش «بلا بارنوک» (Bela Bartok) و «زولتان

اساساً غرض اولیه تاسیس برنامه کودک در رادیو، هشدار و توجه دادن اولیا به رعایت احوال کودکان و درپیش گرفتن رفتار مناسب با آنها بود، که به تدریج حالت خطابی گوینده نسبت به اولیا به سوی کودکان برگشت و ضرورت توجه به مسائل اخلاقی و اجتماعی و جلب علائق آنها و ایجاد شوق در میان کودکان مورد توجه قرار گرفت.

زمینه خدمت به‌گسترش ذهنیتها و پرورش عواطف کودکان، به‌کار می‌گیرند؛ زیرا کودکان امروز، گردانندگان دنیای فردا می‌باشند. شعری زیبا که بتواند بر لبان کودکان جاری شده و مفاهیم آن در دل و جانشان بشیند، سالیان سال ماندگار خواهد بود. نمایش جذاب که حاوی داستانی پذیرفتنی و برداشتی مناسب باشد، دنیای کودکان را خوشایندتر می‌سازد. آثار نقاشی ارزشمند، تشبیه‌های پرمفهوم، ساختمانهای با شکوه و فیلمهای جذاب هریک همین خصوصیت را دارا می‌باشند. به همین ترتیب کلام موزون و آهنگین و نغمه‌ای گوشنواز و شنیدنی

می‌سازد و به این ترتیب در نغمه‌ها و وزن‌ها را به خاطر می‌سپارد. کودک به تدریج رشد می‌کند، ضمن آن که از نغمه‌های پرامون خود بهره می‌گیرد و با آنها بزرگ می‌شود. کودک طی رشد و بالندگی خود، از لالایی مادر گرفته تا نغمه‌های شادی بخش در مجالس سرور و جشنها و آواهای تم‌نگیز در مرثیه‌ها و عزاء، همه و همه را می‌شنود و آنها را جزو ذخایر فرهنگ شنیداری خود حفظ می‌کند. مجموعه این اکتسابات به نسبت فهم و دریافت‌های متفاوت برای کودکی که در جامعه انسانی زندگی می‌کند، اجتناب‌ناپذیر است. فطرت او همراه با میل به شنیدن و یادگیری و تکرار نغمه‌ها،



کدالی» (Zoltan Kodaly) در مجارستان، روش آموزش «کارل لرف» (Karleorfe) در آلمان و روش «سوزوکی» (suzuki) در ژاپن اشاره کرد. اینها از معروفترین سیستمهای آموزشی موسیقی کودکان به حساب می‌آیند و هر یک به‌طور جداگانه قابل بحث و بررسی می‌باشند.

نوعیه است که گاه به تعلیم و آموزش پسران خوش‌صوت برای اجرای نقشهایی می‌پردازیم. در ایران اولین اقدامات دقیق و علمی در زمینه تعلیم سرود در اواخر حکومت قاجار و توسط استاد «علیق» وزیر «صورت گرفت» استاد وزیری

می‌کرد. استاد وزیری ضمن ساختن سرودها، تعدادی از آهنگهای ساده هم برای کودکان ساخت که پیش از آن در موسیقی ما متداول نبود. از جمله سرودهای استاد وزیری می‌توان از سرودهای «آفتاب»، گنجشک، مادر، کودک بیتی، ماه و ای وطن» نام برد که همگی در نوع خود ضمن سادگی، بسیار دلنشین بوده و قدمی نو در زمینه پرداختن به موسیقی کودکان به حساب می‌آیند.

پیشنهاد کلنل وزیری به سردار سپه، موجب شد تا سرود و موسیقی جزو برنامه رسمی مدارس به حساب آمد و شاگردان از این طریق با موسیقی و سرودخوانی به طور عام آشنا شدند. «سرودهای مدارس» تالیف استاد وزیری اولین کتابی است که در زمینه سرود خوانی در ایران به چاپ رسیده است. شورای عالی معارف در جلسه ۲۶ دی‌ماه ۱۳۱۲ شمسی تدریس آن را در کلاسهای چهارم، پنجم و ششم مدارس ابتدایی تصویب نمود. سرودهای مدارس کتابی است مفید و ساده و شاگردان ضمن خواندن سرودها، با نت خوانی و سلفژ هم آشنا می‌شوند. به هر حال اگر

**کودک طی رشد
وبالذگی خود، از
لالایی مادر گرفته تا
نغمه های
شادای بخش در
مجالس سرور و
جشنها و آواهای
غم انگیز در مرثیه ها
و عزاها، همه و همه
را می شنود و آنها را
جزو ذخایر فرهنگ
شایداری خود حفظ
می کند.**



به دلیل روحیه سالم و ترقی فراوان که حاصل فعالیتهای ورزشی او بود، به تحرک و جنب و جوش علاقه داشت و برخلاف رسم معمول زمانه از شهودی و بی تحرکی بیزار بود. او مارشها و سرودهایی ساخت که ضمن تحریک احساسات ملی و میهن دوستانه مردم، موجبات انبساط خاطر و نشاط آنها را نیز فراهم آورد. سرودهای وزیری در مدح و توصیف شخصیتی ساخته نمی‌شد، بلکه ارزشهای ملی و میهنی را تبلیغ

حال بد نیست ببینیم این روند در جامعه ما چگونه بوده و چه تحولاتی را گذرانده است؟ از دوران گذشته تا اواخر قاجاریه، از موسیقی خاص کودکان مطلبی در دست نداریم. براساس روایات تاریخی در پاره‌ای از دوران، ضمن مباحث تعلیم و تربیت، اشاره‌ای به آموزشهای مختلف کودکان شده است. ولی هرگز، در هیچ دوره‌ای برنامه‌ای معین و مدون برای آموزش موسیقی کودکان نداشته‌ایم. تنها در

بخواهیم حسن شنوایی و قدرت تشخیص گوش را پرورش دهیم، باید ایسن کسار را از دبستان و بسا سرودهای مناسب آغاز کنیم. تربیت صحیح و عالمانه از طریق تعلیم موسیقی مناسب و ارزشمند می‌تواند قوه درک موسیقی را تقویت کند و از تمایلی به موسیقیهای غریب و کم‌ارزش بکاهد. سرودهایی که کودکان در سالهای اول زندگی فرا می‌گیرند با جهان آنها عجین می‌شود. لذا با کمک آهنگهای

مناسب و اشعار پر مغز و والا می‌توان ارزشهای معتبر را به کودکان بیابورنیم و در راه تعلیم و تربیت عاطفی آنها قدمهای مؤثری برداریم. سرودهای مناسب در همدلی، اتحاد ملی، همیاری، غمخواری، ایجاد شور و شغف اثری نکاترناپذیر خواهند داشت.

به هر حال از سال ۱۳۱۲ مدارس و معلمان سرود تنها مربیاتی بودند که آموزش موسیقی کودکان را بر عهده داشتند. امر کریم و بیش ادامه داشت تا آن‌که رادیو تاسیس شد و پس از چند سال بخشی از این آموزش را بر عهده گرفت.

رادیو از بدو تاسیس، موسیقی خاصی برای کودکان نداشت و برنامه‌ریزی هدف‌داری در زمینه موسیقی کودک، صورت‌نگرفته بود. طی سالهای متناهی گاه سرودهایی که توسط دانش‌آموزان در مراسم خاصی اجرا می‌شد از رادیو پخش می‌گردید.

با تاسیس برنامه کودک رادیو در سال ۱۳۳۵ که با همت «داود پیرنیا» صورت گرفت، به تدریج توجه مسئولان به اجرای موسیقی کودکان معطوف گردید. اساساً غرض اولیه تاسیس برنامه کودک در رادیو، هشدار و توجه دادن اولیا به رعایت احوال کودکان و درپیش گرفتن رفتار مناسب با آنها بود، که به تدریج حالت خطایی‌گوینده نسبت به اولیا به سوی کودکان برگشت و ضرورت توجه به مسائل اخلاقی و اجتماعی و جذب علائق آنها و ایجاد شوق در میان کودکان مورد توجه قرار گرفت. از آنجا که کلام موزون و همراهی آن با موسیقی در تأثیر پیامها می‌نواست موفق‌تر باشد، به همین خاطر اداره کنندگان برنامه کودک رادیو تصمیم گرفتند تا از موسیقی همراه با شعرهای آموزنده در برنامه کودک رادیو استفاده کنند.

در آغاز کار، ارکستر خاصی برای کودکان وجود نداشت ولی با انتخاب عده‌ای از کودکان خوش صدا و ساختن اشعاری در زمینه‌های اخلاقی و تربیتی، ارکسترهای رادیو خوانندگان کودک را در اجرای آهنگها همراهی می‌کردند. همان آهنگ و همان ارکستری که مخصوص بزرگسالان بود، خواننده کودک را در اجرای شعر کودکانه یاری می‌کرد. طبیعی است که ترکیب ارکستر، نوع آهنگ و زمان اضافه‌ای که ارکستر می‌بایست برای این کار اجباراً پس از اتمام وظیفه اصلی خود صرف کند، حاصلی مطلوب به دست نمی‌داد. مهم‌تر آن که اثری که برای کودکان حاصل می‌شد، کیسی تمام‌عیار آهنگی بود که بزرگسالان در اختیار داشتند، یا این تفاوت که فقط شعر کودکانه بود. اغلب برای اجرای یک سرود کودکانه از همراهی یک ساز تنها استفاده می‌شد؛ مانند: سنتور در «آواز بچه‌ها» و آکاردیون و ویولن در «نوشیروان روحانی».

در آغاز کار آهنگهایی که در رادیو برای کودکان اجرا می‌شدند دو دسته بودند: دسته اول ترانه‌هایی که بر اساس دستگاههای موسیقی ایرانی ساخته شده و به وسیله خوانندگان موسیقی ایرانی اجرا شده بودند. این آهنگها از میان ترانه‌های معروف و موفق روز انتخاب می‌شدند و با شعرهای درخور کودکان و حس‌شادماندگی‌بخش کودکان به اجرا درمی‌آمدند. گروه دوم ترانه‌هایی بودند که آهنگ آنها برای خوانندگان موسیقی پاپ اجرا شده بود. این دسته از ترانه‌ها نیز با تغییر شعر توسط خواننده خردسال خوانده می‌شدند. از آنجا که موسیقی پاپ در آن ايام عمدتاً توسط اقلیت ارامنه در رادیو عرضه می‌شد و به علت تماس و شرکت «نیکول الوندی»

نوازنده جاز ارکستر پاپ با این گروه، اکثر این آهنگها توسط دختران او یعنی «الیس» و «بلا» اجرا می‌شدند. کسانی همچون، «سورن»، «زاون» و دیگران هم آهنگهای این گروه را فراهم می‌کردند. یکی دیگر از منابع آهنگین برای موسیقی کودک، نغمه‌های موسیقی مناطق مختلف ایران بود. اشعار این آهنگها عموماً تغییر می‌کرد و ترانه‌هایی با اشعار کودکانه و مفاهیم مناسب با روحیه کودکان همراه با موسیقی محلی ایران پدید می‌آمد. از این دست کار باید به نمونه‌هایی که «حمید عبادی» از آهنگهای آذربایجان خوانده، اشاره کرد.

به هر حال ملودیهایی که اجرا می‌شدند، کاملاً شناخته شده و جا افتاده بودند و باز مفاهیم خاصی را با خود حمل می‌کردند. لذا اشعار کودکانه و مضامین جدید بر روی این ملودیه‌ها تحت تأثیر مفاهیم اولیه قرار می‌گرفتند و تأثیر فراوانی نداشتند. طبیعی است که طول مدت آهنگها، فواصل موجود در ملودیه‌ها، ریتمها، کششها، حالات، شکل و اندازه جملات، ترکیب ارکستر و امثال آن متناسب روحیه کودکان نبود و صرف وجود خواننده خردسال و بافت کودکانه مفاهیم شعری، تصور می‌شد آنچه ساخته شده موسیقی مناسب کودکان است. پس از ادغام رادیو و تلویزیون و تشکیل سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران در سال ۱۳۵۱ «ارکستر کودک» به رهبری «شورا میخائیلیان» تشکیل شد.

این ارکستر نیز که ترکیب ارکسترهای معمول پاپ را دارا بود، تناسب چندانی با موسیقی مناسب با روحیه کودکان را نداشت. تفاوت این ارکستر با کارهای قبلی در آن بود که در ارکستر کودک سعی می‌شد با رعایت فواصل مناسب، آهنگهای کوتاه، ملودیه‌ها



وربتهای ساده و روان، قطعانی برای ارکستر فراهم سازند. هرچند آثار این ارکستر نسبت به ساخته‌های قبلی با نیازها و علایق کودکان نزدیک‌تر بود، ولی در نهایت این موسیقی به تبعیت از مد روز الگوری کوچکی بود از ترانه‌های بزرگسالان.

اعضای ارکستر کودک عبارت بودند از: شورا میخائیلیان رهبر ارکستر و نوازنده ویلن، «محسن زرآفینان» نوازنده کلارینت، «حسن لشگری» نوازنده آکاردیون، «سلیمان اکبری» نوازنده پیانو، «چنگیز هسگرپوره» نوازنده فلوت و «محسن زرساز» نوازنده جاز.

مفاهیم ترانه‌های برنامه کودک شامل مضامینی مانند کار و تلاش، سعی و کوشش، وصف حیوانات، رفتارهای کودکان، توصیف طبیعت و گاه سرودهایی با محتوای مسائل ملی و میهنی بود.

از سال ۱۳۵۴ ارکستر دیگری با ترکیب مشابه ارکستر کودک و به رهبری و مسئولیت «ژان اوهانیان» تشکیل شد. این ارکستر هم کم و بیش مانند ارکستر کودک فعالیت می‌کرد و موجودیت آن هیچ‌گونه توجه هنری نداشت.

در کنار فعالیتهای موسیقی کودک در رادیو، کارگاه موسیقی کودکان و نوجوانان سازمان رادیو تلویزیون بر اساس روش «کسارل ارف» و «اسه سرپرستی دکتر سعیدخدیری» تشکیل و با شیوه‌های جدید و مناسب‌تری به ساخت، گسترش و آموزش موسیقی کودکان پرداخت. نتیجه فعالیتهای کارگاه موسیقی کودکان و نوجوانان عمدتا در تلویزیون عرضه می‌شد. این کارگاه امروزه به نام «مدرسه هنر و ادبیات صداوسیما» مشغول فعالیت

آموزشی است.

همزمان با این فعالیتها در رادیو و تلویزیون، درس سرود و موسیقی کودکان کم‌وبیش در مدارس دایر بود، هر چند که آموزش آن جدی گرفته نمی‌شد و صرفا به خواندن چند سرود گروهی در مراسم مختلف و نمایشی اکتفا می‌کردند.

در دوران حکومت پهلوی، سرودهای مدارس به تدریج از محتوای ارزشهای اخلاقی و ملی بی‌بهره شدند و عمدتا به مداحی و توصیفهای غیرواقعی از شاه و خاندان او منحصر گردیدند. از آنجایی که مفاهیم و مضامین سرودها با ارزشها و اعتقادات جامعه سازگار نبود، مردم به‌طور عموم و دانش‌آموزان به‌شکل خاص رغبت خود را در خواندن سرود از دست دادند و سرودخوانی به عملی خشک و رسمی و کاری تشریفاتی و بی‌محتوا تبدیل شد. حتی سرود ملی ایران که می‌بایست نشانه وحدت و هم‌آوایی مردم باشد، چون به توصیف ارزشهای قزلی می‌پرداخت، مورد عنایت و باور قرار نمی‌گرفت.

لازم به یادآوری است که شعر و نت سرودهایی که برای کودکان ساخته شده بودند، توسط وزارت فرهنگ و هنر منتشر شدند که بررسی و تحلیل آنها فرصت جداگانه‌ای را می‌طلبد. با آغاز شکل‌گیری انقلاب، کودکان و جوانان به سرودهای تازه‌ای با مضامین و مفاهیم نوووی آوردند. «سرودهای گوه» از اولین پدیده‌هایی بود که در بین نوجوانان و جوانان رایج گردیدند. با لوح‌گیری مبارزات مردم علیه رژیم سلطنتی، گروههای مختلف سیاسی به ساختن و نشر سرودهای

پرداختند که گسترش آنها نشانه‌ای روشن از وحدت و مبارزه علیه حاکمیت زمان بود. مفاهیم، آزادی، آزادگی، ظلم ستیزی، وحدت، تلاش، همدلی و امثال آنها متن سرودها را تشکیل می‌دادند و بیش از همه بر زبان کودکان و نوجوانان جاری بود.

سرودهای این دوران هم اکثرا فاقد تمام ارزشهای لازم از نظر ملودی و ریتم و ساختار قوی موسیقی هستند، منتهی چون حامل پیامهای والا و ارزشمند و مورد قبول جامعه می‌باشند، لذا بیشتر در دلها جایگزین شدند. با آغاز جنگ تحمیلی زمینه مناسب دیگری برای ساخت مارش و سرود فراهم شد. پاره‌ای از این آثار در بین کودکان و نوجوانان معروفیت یافت و از زبان آنها شنیده می‌شد. از طرفی در هیئتها و گروه‌های مذهبی ساختن و ترنم آهنگهایی که ریشه در موسیقی‌های تعزیه و مراسم سینه‌زنی عاشورا داشت، به صورت ترکیبهای نو از زبان کودکان و نوجوانان به گوش رسید. پاره‌ای از این آثار دارای ملودی دلنشین و شنیدنی بودند که به راحتی بر دلها می‌نشستند و دسته‌ای از آنها هم ارزشهای مناسب برای بیان موسیقی کودک را نداشتند.

بعدها جزوه‌هایی به نام «سرودهای انقلاب اسلامی» منتشر شد که صرفا حاوی اشعار و سرودهایی بودند که در دوران مبارزات انقلابی مردم ساخته شده و نشر یافته بودند. این جزوه‌ها فاقد خط نت سرودها بودند و فقط اشعار را عرضه می‌کردند و کودکان و نوجوانان می‌بایست یا خودشان آهنگ سرودها را بداندند و یا از دیگران کمک بگیرند. از سوی دیگر پاره‌ای از سازمانها مانند امور تربیتی وزارت آموزش و پرورش در تهیه و انتشار

نوارهایی در زمینه موسیقی کودکان اقداماتی انجام دادند که ضمن آن که باید همه این فعالیتها را ارج گذاشت، ولی نباید فراموش کنیم که برای آموزش صحیح موسیقی به کودکانمان باید به اصول پذیرفته شده تعلیم و تربیت توجه کنیم و ارزشهای شنیداری را در میان آنها پرورش دهیم. در پایان این مقال که به طور گذرا و مختصر بررسی شد، چند نکته را در مورد شعر و موسیقی کودکان یادآوری می‌کنیم.

- مفاهیم در آهنگهای کودکان، ساده و روان و پذیرفتنی باشد.
روحیه همگامی و اتحاد و همدلی را - موسیقی کودکان بهتر است بر مبنای تقویت کنند.
روحیه موسیقی بومی یا سنتی استوار

یکی از منابع آهنگین برای موسیقی کودک، نغمه‌های موسیقی مناطق مختلف ایران بود. اشعار این آهنگها عموماً تغییر می‌کرد و ترانه‌هایی با اشعار کودکانه و مفاهیم مناسب با روحیه کودکان همراه با موسیقی محلی ایران پدید می‌آمد.

در مورد شعر، و سرودها و آهنگهای کودکان

شعر برای کودکان باید موضوعی مشخص داشته و نیاز او را برآورد.
- مفهوم و مضمون شعر باید ساده، روشن، قابل فهم و دور از پیچیدگی باشد.
- کلمات و عبارات باید سلیس و روان بوده و به راحتی قابل بیان باشند.



باشد.
- از تفصیل در مقدمه و فاصله موسیقی بین پندها پرهیز شود.
- ملودی پندهای مختلف در ترانه کودکان عیناً و بدون تغییر تکرار شود.
- ریتم سرود بر ساده‌ترین حرکات منطبق بوده و به سادگی قابل تقلید باشد.
- ملودیها در منطقی‌ای از اصوات قرار گیرند که با وسعت صدای کودکان تناسب داشته باشد.

- ملودی ترانه‌های کودکان، جذاب، یک‌دست و غیرتقلیدی باشد.
- از ریتمها و ملودیهای سبک و کم‌ارزش پرهیز شود.
- حتی المقدور ترانه‌های کودکانه ملودیهایی داشته باشند که بلافاصله کودکان را به خود جذب کنند.
- ملودیهای مقدمه، متن و فاصله پندها از یک جنس و مرتبط با هم باشند.



در آغاز کار، ارکستر خاصی برای کودکان وجود نداشت ولی با انتخاب عده‌ای از کودکان خوش صدا و ساختن اشعاری در زمینه‌های اخلاقی و تربیتی، ارکسترهای رادیو خوانندگان کودک را در اجرای آهنگها همراهی می‌کردند.

- در پندهای مختلف یک ترانه کودکانه، وزن و شکل مصراعها شبیه یکدیگر باشند.
- از طولانی شدن کلام در پندهای ترانه‌های کودکان باید پرهیز کرد.

- تلفیق شعر و موسیقی برای کودکان باید به دقت صورت پذیرد.
- واژه‌ها و تعابیر باید فاخر و به یادماندنی باشند.
- مفاهیم آهنگهای کودکان از تصنع و تکلف به دور باشند.
- مفاهیم آهنگهای کودکان عمدتاً امیدبخش و نشاط آفرین باشند.

در مورد موسیقی کودکان

- آهنگ و ملودی ترانه کودکان باید،

